



سوالاتی در مورد فراندنم در کردستان عراق

خالد حاج محمدی

حکمتیست ۱۷۰

۲۴ ژوئیه ۲۰۱۷ - ۲ مرداد ۱۳۹۶
دوشنبه ها منتشر میشود

سر ستون

روی این روزها زیادی حساب باز نکنید!

فواد عبدالحی

مجمع سازمان ملل در نیویورک حول مسله صلح در خاورمیانه برگزار شد؛ ایران هم شرکت داشت و جواد ظریف در یک برنامه پرسش و پاسخ که توسط شورای روابط عمومی اتحادیه اروپا تنظیم شده بود در پاسخ به این نکته که "دولت ترامپ سیاست تغییر نظام ایران را در دستور کار قرار داده است"، گفت: "ما مشروعیت و قدرت خود را از مردم و انتخابات میگیریم؛ خودتان را فریب ندهید..."

۱- حقیقت اینست که دولت ترامپ برای تخفیف ابعاد بحران عظیم اقتصادی و سیاسی در خود جامعه آمریکا، برای سرپوش گذاشتن بر تناقضات نظام سرمایه داری در قلب "جهان متمدن"، و برای احیا مقام قدرتی خود، چنین پروپاگاندا و جهت گیری شناخته شده و مبتذلی را دوباره بلغور میکنند؛ سرکردگی جهانی آمریکا در مقابل اروپا و سایر قدرت های اقتصادی افت کرده و صاحب موقعیت گذشته اش نیست؛ این را از "هارد کور" های هیئت حاکمه آمریکا که آن پشت ها افسار ترامپ را در دست دارند باید شنید؛ نگاهی به "فارن پالسی" و "احمقانه" خواندن اظهارات ترامپ، خالی از لطف نیست؛ ناامنی موجود در سرتاسر دنیا و از هم گسیختن مدنیت در قلب خاورمیانه محصول تحمیل دو دهه سیاست قلدری نظامی آمریکا بعنوان بزرگترین صاحب انبار تسلیحات کشتار جمعی تحت عنوان استراتژی "ضربه پیشگیرانه" و "رژیم چنج" بوده است؛ ... صفحه ۲

کردستان عراق بحث جدایی و استقلال کردستان را طرح کرده است. امروز و در دل بحث فراندنم در کردستان عراق و تعیین زمان آن از جانب بارزانی سوالاتی در مورد سیاست ما طرح میشود. ... صفحه ۳

حکمتیست: بحث فراندنم در کردستان عراق و دلایل و سرانجام آن در میان احزاب و جریانات مختلف مورد بحث است. ما در جواب به حل مسئله کرد در منطقه مراجعه به رای و تصمیم آزادانه مردم کردستان از طریق فراندنم، مبنی بر جدایی و تشکیل دولت مستقل و ماندگاری در چهارچوب کشور مربوطه و حق شهروندی برابر، را در برنامه خود گنجانده ایم. همزمان گفته ایم اینکه در چنین فراندنی توصیه ما چیست به ارزیابی ما در آن شرایط مشخص بستگی دارد. حزب و جریان ما در مورد

دیوار کوتاه کارگران افغانستانی و تروریسم داعشی در ایران

مصطفی اسدپور



توضیح حکمتیست: این مطلب برای اولین بار در نشریه "علیه بیکاری" شماره ۲۷ در تیرماه /مسال منتشر شده است/

خودداری از کرایه منزل به افغانستانی ها میگردد. دیوار پناهجویان افغانستانی در ایران کوتاه است، همیشه کوتاه بوده است. در سوابق اتهامات آنها علیه امنیت ملی ایران قبال از جمله خالی کردن ارز در کشور، دزدیدن اشتغال از کارگران ایرانی، آلوده کردن فضای شهری را میتوان نام برد. و حالا اتهام تروریسم علیه مردم معمولی هم به آن اضافه شده است. اگر تا اینجا صرف قیافه و شجره افغانی برای اذیت، تبعیض، اتهامات بیجا، بالا کشیدن دستمزد، سوء استفاده از این مردم را مجاز ساخته است، حال، با اتهام دست جمعی "تروریسم" میتواند عواقب بسیار ناگواری را برای افغانی ها در ایران فراهم بیاورد. در این میان دفاع از جان هموطنان در مقابل بیگانگان

با حمله و عملیات واحد داعش در ساختمان مجلس آب به آسیاب دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی افتاده است. اطلاعاتیه های پلیس برای جستجو و کشف واحدها و افراد مرتبط با داعش یک دم فروکش ندارد. بنا به اخبار منتشره از قرار معلوم تعدادی از افغانستانی های ساکن ایران در میان دستگیر شدگان وجود داشته است. در اطلاعاتیه های پلیس امنیتی برای همکاری و هوشیاری عمومی مردم بطرز بسیار توهین آمیز و کینه آمیزی انگشت اشاره به سمت شهروندان افغانستانی نشانه رفته است. پلیس تا جایی پیش رفته است که رسماً خواهان

افغانی، آنهم در کشوری که ریش ریاست جمهوری های آن در پرونده کهریزک، قتل های زنجیره ای و اعدام و بمباران شهرهای کردستان گیر است، زیادی نتراشیده است. مثل همیشه و بسیار بیشتر از گذشته دفاع از حرمت زحمتکشان افغانی بعهده طبقه کارگر در ایران است. نباید اجازه داد با حرمت زحمتکشانی از تبار خود ما بازی شود. نباید اجازه داد این رویداد و تصفیه حساب میان دولت و داعش مبنای تعرض های تازه تر به حقوق همکار و همسایه و هم سرنوشت افغانی قرار بگیرد.

آزادی
برابری
حکومت کارگری

سر ستون ...



این سیاست بویژه در پی تشدید بحران اقتصاد جهانی، شکست خورد و فی الحال دنیا را به بی ثباتی کشانده است؛ آمریکای امروز، حتی اروپای دیروز را در عرصه سیاست با خود ندارد؛ متحدین منطقه ای آن آچمز شده اند؛ امروز دیگر شکل دادن به تحولات خاورمیانه با نوستالژی دمیدن روح در کالبد بی جان رژیم چنج ناتویی بوش و بلر در میان خود محافل قدرت های جهانی، در آمریکا و اروپا، با ریشخند و تمسخر مواجه میشود. این نوستالژی فقط نزد بخشی از اپوزیسیون راست بی افق و به بن بست رسیده ایران، خریدار دارد و بیش از همه موضوع استفاده نظامی و سیاسی هیئت حاکمه ایران برای به سکوت کشاندن مردم و دامن زدن به احساسات ناسیونالیستی و مقبولیت بخشیدن به تحرکات میلیتاریستی ایران در منطقه است. پیامدهای چنین سیاستی تاکنون اتفاقا به مشروعیت بخشیدن به امثال جمهوری اسلامی، به تقویت تروریسم و کنترهای قومی - مذهبی در منطقه

خدمت کرده است. تحرکات این جریانات و ادامه مسابقه تروریستی، تولید انواع مختلف داعش های شرقی و غربی، ناآرامی و ناامنی در خود جهان غرب و گسترش آن به سایر نقاط جهان در ابعاد وسیعتری را ببار آورده است؛ به این اعتبار راه خروج از بن بست اقتصادی و سیاسی امروز بورژوازی غرب و بازگرداندن امنیت به جامعه جهانی مطلقا از کانال تداوم سیاست شکست خورده قلدری میلیتاریستی آمریکا و متحدینش نمی گذرد؛ اینها طراحان سناریوی قومی - مذهبی کردن خاورمیانه بوده اند؛ میلیونها انسان تا هم اکنون سلاخی این سیاست و این نظم شده اند؛ قربانیانی که ماحصل بمباران عراق و جنگ سوریه و تخریب لیبی اند؛ ابعاد فاجعه انسانی حاصل از این سیاست چنان عظیم است، که دنیا مدام شاهد مرگ، فرار و گریز پناهجویان بسوی کشورهای اروپائی در ابعاد میلیونی است.

۲- به افاضات جناب ظریف و رابطه حکومت با مردم در ایران و سرمایه "مشروعیت" نظام شان، باز گردیم؛ جناب ظریف در مجمع سازمان ملل باد گلو خالی می کند؛ ایشان بر متن چنین اوضاع بی ثباتی در منطقه نشسته اند و در ایران حاکمیت می رانند؛ در قلب نیویورک و در

پناه ترهات ترامپ، می فرمایند "مشروعیت خود را از مردم و انتخابات" در ایران می گیرند. آیا واقعا برای نمونه مردم نیویورک و لندن و پاریس و برلین نمی دانند دیگر هیچ چیز و مطلقا هیچ چیز، در ته توبره تحمیق و فریب و مانور و فشار، برای تزریق زهری به مردم ایران بنام "امید به بهبود" از بالا و از طریق بالماسکه انتخابات در نظام جمهوری اسلامی، برجای نمانده است؟ آیا نمی میدانند که همه برگ های رژیم آقای ظریف نزد مردم ایران بازی شده است و جایی برای بلوف زدن و "جا خالی" دادن و فرار و پنهان شدن پشت این و آن بهانه، برجای نمانده است؟ آیا خبر ندارند که جمهوری اسلامی تمام قد و عریان، با هر دو جناح و دار و دسته و باند، در مقابل دهها میلیون مردم محروم و معترض در ایران، مردمی که جواب میخواهند، خلع سلاح و انگشت به دهان مانده است؟ کافست فقط رویتان را از سمت ترهات ترامپ و سی ان ان و بی بی سی و خیل میدیای نان به نرخ روز خور، به سمت جامعه ایران و به سمت صف اعتراض میلیونی به فقر و اختناق و بیکاری و بی آینده گی و بی حقوقی زن و انسان، برگردانید! بی شک همه و از همه مهتر خود

جناب ظریف میدانند که او و نظام اش، نه با "انتخابات" که با سایه شوم جنگ و ترور و اعدام و گرو گرفتارن معیشت مردم، با اختناق و تخریب خاورمیانه و باطلاق عراق و لیبی و سوریه و هراسی که ارتجاع جهانی در کنار ارتجاع اسلامی و شرکاء ایشان ببار آورد، زنده اند! ظریف و مشروعیت نظام اش به امثال ترامپ ها و بوش و بلرها، زنده است. نخیر جناب وزیر! مشروعیت نظامی امثال ترامپ و دول مرتجع جی چون عربستان تامین می کنند؛ تحریک و پروکاسیون شما و دولت تان علیه مردم ایران و مطالبات برحق شان از همین کانال می گذرد؛ رو به خارج چهره دیپلمات بخود میگیرید و رو به داخل چهره جلا؛ براستی هیچ نیرویی به اندازه خود آمریکا و متحدینش چهره مشروح به شما نزد جامعه جهانی نداده است؛ زیر بغل شما را همانها گرفته اند که روزی روزگاری نه چندان دور در فکر عراقیزه کردن ایران و براه انداختن گورهای دسته جمعی از جنگ های قومی - مذهبی بودند؛ مشروعیت شما محصول سرمایه گذاری تان بر تداوم فضای استیصال بر جامعه جهانی و بر جامعه ایران، و بر ترس مردم از تاریکی موجود در اوضاع منطقه است؛ خوب گوشتان را به زمین بچسبانید تا صدای ۳۸ سال کیفرخواست عمیق مردم علیه رژیم تان را بشنوید؛ مردم از ترس سوریه

ای شدن ایران، مانند تحمیلی شما را تحمل میکنند؛ فقر، بیکاری، فلاکت و اختناق و آپارتاید جنسی گریبان شما و خیل سران رژیم تان را نگرفته است، بلکه از سر و کول همین مردم محروم ایران بالا می رود؛ سهم خواهی ناسیونالیستی شما در رکاب هزیمت عمو سام و متحدین آن در منطقه دستاویزی برای خفه کردن صدای هر اعتراضی در داخل شده است؛ تا هم اکنون و در سایه اوضاع سیاه منطقه دست حکومت تان برای سرکوب هر نوع اعتراضی باز شده است و گله میلیشیای روانی اسلامی تان فرمان "آتش به اختیار" از ولی فقیه گرفته اند. جناب ظریف و روحانی و خامنه ای و کل دوبال نظام، با عمامه و بی عمامه، باید دعا کنند که جهان و خاورمیانه همچنان پر تنش و ناآرام بماند و بیش از پیش تخریب شود، تا آنها کماکان "مشروع" بمانند. اما این روزها ابدی نیست. صف انسان متمدن، چپ و معترض، کارگر متوقع، کسانی که به زندگی و آینده بهتر و امن عمیقا اعتقاد دارند و به نیروی خود برای ساختن آن تکیه دارند، در غرب و در شرق در حال تکان خوردن است. زیاد روی این روزها حساب باز نکنید! ۳- از نقطه نظر مردم ایران، دولت "مشروع" آقای ظریف و دولت ترامپ هر دو به یک صف واحد تعلق دارند؛ صف دشمنان مردم!

مرکب بر جمهوری اسلامی! زنده باد سوسیالیسم!

ناسیونالیسم کرد،

کومه له و جدال بقا

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)

سخنران: آذر مدرسی

hekmatist.com

Girdleston Community Centre
Under 151 Salisbury Walk
Archway
N19 5DX

شنبه ۲۹ ژوئیه

ساعت ۵ بعد از ظهر

تلفن تماس: جمیل خوانچه زر ۰۷۴۱۴۶۳۳۸۱۴

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی) لندن

اسرائیل باعث میشود حماسی به نام مقابله با اسرائیل و دفاع از حق مردم فلسطین شکل بگیرد. همچنانکه جنایات دول امپریالیستی و کشتار مردم عراق و اشغال آن امکان داد که دهها جریان تروریستی و جنایتکار از جمله مقتدی صدری عروج کند.

آیا استقلال و جدایی کردستان از عراق به معنی بهبود شرایط زندگی مردم کردستان است؟ به نظر من نفس استقلال تضمین کننده هیچ بهبودی نیست. بهبود شرایط زندگی مردم در کردستان عراق مانند هر جغرافیا و یا کشور دیگری بستگی به توان و قدرت

طبقه کارگر و کمونیستها و میزان خودآگاهی آنها دارد. این رفراوند برای جواب به یک معضل اجتماعی است. اینکه دولت مستقل آتی کردستان چه دولتی خواهد بود و چه میزان بهبود ایجاد میکند و چقدر متصدن و انسانی باشد، ربط مستقیمی به خود رفراوند ندارد. توازن قوا در کردستان و موقعیت کارگر و کمونیست، درجه قدرت و توان ما تعیین میکند که فردا و با فرض استقلال سهم کارگر و زن و مردم محروم چه خواهد بود. مبارزه برای بهبود رفاه و آسایش با رفراوند و بدون آن امری است که نباید به هیچ چیزی موکل شود. نباید

اجازه داد بارزانی و احزاب حاکم بر کردستان به بهانه رفراوند از جواب به مطالبات واقعی مردم سر باز بزنند. ...

قومی و مذهبی بیشتر شویم، مانع شویم عبادی، حشدالشعبی، بارزانی و طالبانی، گروههای مذهبی و قومی سنی و عرب و ترکمن و دولتهای مرتجع منطقه از عربستان و ایران تا ترکیه و...، از کارگران عراق و محرومان جامعه به نام شیعه، سنی، عرب، کرد، ترکمن، مسیحی و... سربازگیری کنند و به جنگ با همدیگر ببرند. این کمک میکند که فردا کارگر عرب زبان و کرد زبان متوجه شوند که عبادی و بارزانی و سرمایه داران همراه آنها نان و هستی آنها را گرو گرفته اند و دشمنان طبقاتی آنها هستند.

مسئله کرد به کشمکش سیاسی که دهها سال در ایران جنگ و جدال به نام کرد و فارس، و در عراق به نام کرد و عرب را همراه خود آورده است تبدیل شده است و کمونیست ها باید برای حل آن راهی پیدا کنند. در غیاب یک انقلاب سوسیالیستی که به هر نوع هویت کاذب قومی و مذهبی و تبعیض و تفرقه بر مبنای آن پایان میدهد، باید این حق را به مردم داد که یا بعنوان شهروندان متساوی الحقوق در یک جغرافیا زندگی کنند و یا مستقل شوند. این تنها راه خلع سلاح نیروهای ناسیونالیست و سوءاستفاده آنها از مسئله کرد است.

به فلسطین نگاه کنید. قدرت حماس در فلسطین و قدرت حزب الله در لبنان را اسرائیل تامین میکند. ستمگری و جنایت

این شرایط برای کاهش جنگ و دشمنی کور رفراوند و جدایی است. توصیه ما مبنی بر جدایی از روی میل ما نیست. جواب ما به هر نوع تبعیضی در عراق و منطقه، انقلاب سوسیالیستی است و این را همیشه تاکید کرده ایم. اما امروز در این جامعه و در مقابل چشم همگی ما، به نام کرد و عرب، سنی و شیعه، جنگ و کشمکشی خونین در جریان است. در همین مدت نیروهای قومی و مذهبی به نام کرد و عرب دهها روستای "دشمن قومی" خود را "پاکسازی" کرده اند. در موصل علاوه بر جنگ و کشتار دهها هزار نفر، کشتار وسیع مردم بیگناه به جرم عرب زبان یا سنی بودن توسط حشد الشعبی و ارتش عراق، یا توسط نیروهای دولت اقلیم کردستان صورت گرفته است. در کرکوک احزاب ناسیونالیست کرد به نام "مبارزه" با داعش خانه آوارگان و فراریان از جنگ موصل را ویران کردند. در این اوضاع در دسترس ترین راه و فوری ترین راه برای پایان دادن به این نفرت کور و کشتار، رفراوند و جدایی است. این به من و شمایی که نگران همسنوشتی طبقه کارگر و مردم عراق هستیم امکان میدهد که مانع جدال و جنایت و تحریریک

کلیدی هم بر همین اساس میان آنها تقسیم شده است. جنگ میان آنها از دولت و پارلمان تا کل جامعه با پرچم ملیت و مذهب پیش میرود و با هر جنگی تعیین توازن دوباره میان آنها و سهم دوباره هرکدام، کشمکشهای جدیدی و جنگ و نگرانی و لشکر کشی جدیدی را بدنبال دارد. اگر در گذشته ما در عراق صرفا معضلی به نام مسئله کرد داشتیم و دولت مرکزی عراق عامل اصلی آن و ناسیونالیستهای کرد از آن نان میخوردند و کشمکش خود برای سهم بردن از قدرت و سرمایه را به نام منافع عرب و کرد پیش میبردند، امروز اما مردم عراق را با زدن مهر کرد، عرب، ترکمن، شیعه، سنی، مسیحی، یزیدی و... بر پیشانی شان تقسیم کرده و آنها را به دشمن هم تبدیل کرده و در مقابل هم قرار داده اند. این یعنی رشد ناسیونالیسم و قوم پرستی و فرقه های مذهبی و قومی. کسی که از این سر نگران آینده عراق و مردم آن است باید برای آن پاسخ داشته باشد.

کل مسئله این است که راه حل برای این جامعه چیست؟ امروز به این دلایل امکان همزیستی مسالمت آمیز میان مردم کردستان و بقیه مردم عراق را از بین برده اند. امروز اگر بخواهید مانع ادامه جنگ و تحریریک قومی و مذهبی شوید، باید به جدایی کردستان رای بدهید. این انتخاب از سر ناچاری است. ادامه وضع کنونی معنایی جز ادامه فدرالیسم قومی، و به این اعتبار ماندگاری جنگ و جدال همیشگی و افزایش نفرت کور میان طبقه کارگر و مردم عراق و لطمه خوردن بیشتر همسنوشتی کل طبقه کارگر به نام هویتهای کاذب قومی و مذهبی، نیست. برای دفاع از همسنوشتی باید جواب امروز خود را به این مسئله داد و تنها راه ممکن در

حکمتیست می پرسد ...

از جمله میپرسند همسنوشتی طبقه کارگر عراق چه میشود؟ ستمگری ملی در کردستان عراق موجود نیست تا جواب رفراوند باشد و آیا رای به رفراوند و استقلال کردستان، ناسیونالیسم کرد را تقویت نمیکند؟ آیا در این اوضاع طرح رفراوند و جدایی، بارزانی را تقویت نمیکند؟ آیا جدایی، جنگ قومی و مذهبی را افزایش نمیدهد و آیا رفراوند بهبودی در زندگی مردم ایجاد میکند؟ جواب شما به چنین سولاتی چیست؟

خالد حاج محمدی: اجازه بدهید از همسنوشتی طبقه کارگر و رشد ناسیونالیسم شروع کنم و یک به یک به سولاتی که طرح میشوند، جواب بدهم.

ابتدا باید معلوم باشد صورت مسئله چیست. در این جامعه مسئله ای به نام مسئله کرد چند دهه است مطرح است. وجود چنین مسئله ای باعث انواع جنگها و پاکسازیهای قومی، کشتار و جنایت و جدالهای جدی در عراق شده است. امروز به قول شما ستمگری ملی در کردستان عراق باقی نیست، اما مسئله کرد نه تنها بجای خود باقی است که نفاق و جدال به نام کرد و عرب از گذشته بیشتر است. مسئله کرد نه تنها حل نشده است که با فدرالیسم قومی حاکم بر عراق، کل عراق و مردم آن عملا و دو فاکتو به سه منطقه شیعه، سنی عرب و کرد، تقسیم شده است. در همه این مناطق جریانات ناسیونالیستی و مذهبی به نام مردم منتسب به این مذاهب و ملیتها، حاکم و هر کدام هم نیروی مسلح خود را دارند. دولت فدرال قومی مذهبی حاکم، بر اساس وزن و توان جریانات قومی و مذهبی تشکیل شده است و صندلی های پارلمان و پستهای

نه قومی! نه مذهبی! زنده باد هویت انسانی!

سایت آرشیو
مجموعه آثار
منصور حکمت



<http://hekmat.public-archive.net/>

نشریه هفته

حزب حکمتیست (خبرنامه)

www.hekmatist.com

سر دبیر: فواد عبدالمولی

fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب

@HekmatistXateRasmi

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

Khaled.hajim@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

کرد که مانع معامله و بازاری
بازرانی شوم نه کوتاه آمدن.

حکمت را تونید
کنید!

رفراندم مورد نظر ما این است و
باید این شرایط تضمین شود و
تلاش میکنیم این شرایط را برای
تامین رای آزادانه مردم به بازرانی
و بقیه تحمیل کنیم. نگرانی از
بازرانی قاعدا باید در ما
کمونیستها و همه آزادیخواهان و
مخالفان بازرانی تحرکی ایجاد

برادری کارگران عراق فراهم شود.
کسی که نگران افزایش قدرت
بازرانی است، باید در دفاع از
رفراندم، در دفاع از حق مردم
کردستان برای رای آزادانه آنها و
علیه هر نوع بازی با رای مردم به
میدان بیاید. باید در مقابل هر
بند و بست و معامله ای از جانب
بازرانی و یا هر جریان دیگر
ایستاد. اینکه امروز بازرانی هم
پرچم رفراندم را به هر دلیلی
برداشته است، چرا باید کمونیستها
و آزادیخواهان را وادار کند که از
این راه حل دست بردارند. اینکه
من الان موقعیت خوبی ندارم
جواب نیست. راه تقویت کمونیسم
هم شرکت فعال کمونیستها در هر
جدالی و تلاش برای جواب دادن به
خود معضل اجتماعی است. عدم
دخالت در این مسیر کمونیستها را
حاشیه ای و حتی غیر اجتماعی و
فرقه ای میکند. جواب یک
معضل اجتماعی به این ماکول
نمیشود که من کمونیست آماده
شوم و قاعدا در دل جواب به
معضل اجتماعی و در جدال و
مقابله با هر نیرو و جریانی که
میخواهد آنرا در خدمت اهداف
ارتجاعی خود بکار ببرد، ما هم
تقویت میشویم. نقطه حرکت
کمونیسم و حزب و جریان
کمونیستی حل معضلات اجتماعی
است. حزب کمونیستی ابزار
دخالت در جدالهای جامعه و برای
انقلاب کارگری و نجات جامعه
است نه برعکس. من حزب
میخواهم و سازمان میخواهم که
در زندگی بشریت و هم نسلهای
خودم موثر باشم و بهبودی ایجاد
کنم. نه اینکه من بهبود میخواهم
برای اینکه از این راه حزم بزرگ
میشود. به همین دلیل هر حزب و
جریان مربوط و جدی سیاسی با
شرکت در حل معضل اجتماعی و
جدال با سایر جریانات و تلاش
برای بسیج نیرو حول پلاتفرم خود
قوی میشود. امروز بازرانی هم
گفته است رفراندم میخواهم و همه
میدانیم که بازرانی میتواند هزار و
یک توطئه و بازی با رفراندم را در
دستور و برنامه داشته باشد. به
همین دلیل ما گفته ایم راه ما و

مقابله همه بشریت مترقی علیه
آن، بحث از بهبود زندگی طبقه
کارگر نبود. نه کنگره ملی آفریقا
مدافع کارگران سیاه پوست بود و
نه مسئله دفاع از معیشت طبقه
کارگر مطرح بود. اما آپارتاید
نژادی در آفریقا مانعی بر سر
ایجاد احساس همسرنوشتی میان
کارگران این کشور و مانعی جدی
در مقابل هر نوع اتحادی میان
آنها و مانعی جدی در راه انکشاف
مبارزه طبقاتی میان طبقه کارگر
و بورژوازی بومی آفریقای جنوبی
بود. کارگران معادن آفریقای
جنوبی را دولت نژاد پرست
"سفید"ها کشتار نکرد، بلکه
دولتی کشتار کرد که بعد از پایان
دولت نژادپرست آفریقا سرکار
آمد، دولتی که بخش زیادی از
شخصیتهای کنگره ملی آفریقا در
آن موقعیت بالایی داشتند. در
همه این موارد حل این معضلات
باعث میشود که تازه کارگر
آفریقای سیاه پوست، کارگر
فلسطینی، کارگر کرد زبان در
کردستان عراق متوجه شوند که نه
کنگره ملی آفریقا در دفاع از او و
زندگی اوست و نه حماس و الفتح
و نه بازرانی و طالبانی و... تازه
امکانی فراهم میشود که کارگران
آفریقای جنوبی در معادن طلا
مستقل از رنگ و نژاد علیه
کارفرمایان خود در یک سنگر
بجنگند. تازه امکان فراهم میشود
که کارگر کرد زبان هم متوجه شود
که همسرنوشت او نه بازرانی و
طالبانی و بورژوازی کرد، بلکه
کارگران بصره و بغداد و... است.
نگرانی از تقویت بازرانی در این
ماجر، راهش مقابله با نفس
رفراندم نیست. فرض کنید رفراندم
انجام نشود، در چنین شرایطی نه
تنها وضع موجود و حاکمیت
بازرانی و طالبانی محفوظ است،
بعلاوه نفاق و جنگ قوم و
مذهبی هم پابرجاست. در ثانی و
همچنانکه گفتم مستقل از
موقعیت بازرانی و طالبانی و
کمونیستها و توازن حاکم بر اقلیم
کردستان، معضل کرد به عنوان
مانعی در مقابل رشد مبارزه
طبقاتی باید حل شود تا امکان

حکمتیست می پرسد...

در مورد آینده کردستان هم، تا
جایی که به ما کمونیست ها
برگردد، معلوم است که باید از
همین امروز توقع خود از کردستان
مستقل و قوانین آنرا به جامعه
اعلام کنیم. باید از همین حالا
تلاش کنیم در خود رفراندم توده
وسیع کارگران و زحمتکشان
کردستان را حول راه حل خود بسیج
کنیم. از همین حالا اعلام کنیم که
حاکمیت در کردستان باید غیر
قومی و غیر مذهبی باشد و دولت
کردستان باید سکولار باشد. از
همین حالا باید شمه ای از آنچه
برای این دولت و قوانین آن مد
نظر ما است، از برابری زن و مرد
تا آزادی بیان و عقیده و حزب و
تشکیل، از بیمه بیکاری تا طب
رایگان و... را در مقابل جامعه
قرار دهیم و حول آن نیرو بسیج
کنیم. بهر حال به هر میزان در این
پروژه نیرو جمع کنیم و مردم را
حول پلاتفرم خود بسیج و متحد
کنیم، موقعیت آتی ما کمونیستها
و توازن به نفع کارگر و زحمتکش
آن جامعه در مقابل بازرانی و هر
جریان بورژوازی دیگر بهتر خواهد
بود.

باز به نمونه فلسطین برگردیم.
تشکیل دولت مستقل فلسطینی
که بخش عمده چپ جهان از آن
دفاع میکند، از این سر نیست که
حتما با وجود دولت فلسطینی
زندگی مردم بهبود پیدا میکند.
بلکه به مسئله ای به نام مسئله
فلسطین و کشمکش و جنگی که
عمری است در جریان است خاتمه
میدهد. اگر مسئله فلسطین حل
شود تازه امکان افزایش
همسرنوشتی کارگر فلسطینی و
اسرائیلی بیشتر میشود. برای
ایجاد امکان این همسرنوشتی
کمونیستها راهی ندارند جز
برسمیت شناختن و دفاع از دولت
مستقل فلسطینی، در حالی که بر
همه ما معلوم است در چنین
شرایطی، حماس و الفتح در راس
دولت آتی فلسطین خواهند بود.
نمونه دیگر در دوره مبارزه علیه
دولت نژاد پرست آفریقای جنوبی و